

خاطره‌بازی با اقتباس

سینمای ایران از نظر بهره‌مندی از ادبیات و اقتباس، فقیر است اما باز هم می‌شود فیلم‌هایی را مثال زد که نمونه‌هایی موفق از اقتباس ادبی هستند. به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

کاو

فیلمی از فیلم‌های موج نوی سینمای ایران ساخته داریوش مهرجویی و برگرفته از داستان «کاو» از کتاب «عزاداران بیل» نوشته غلامحسین ساعدی است. این فیلم از اولین فیلم‌های ایرانی است که در سینمای غرب مورد توجه و تحسین قرار گرفت و اولین بار بدون زیرنویس انگلیسی بر پرده جشنواره فیلم ونیز رفت و موفق به کسب جایزه «فیپرشی» (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم) در سال ۱۹۷۱ شد.

ناخدا خورشید

«ناخدا خورشید» ساخته ناصر تقوایی برداشتی آزاد از داستان «داشتن و نداشتن» ارنست همینگوی و در زانر جنایی است. مسلما برداشت آزاد از داستان همینگوی و به قول معروف ایرانیزه‌کردن آن کار دشواری بوده که البته تقوایی به بهترین شکل از عهده آن برآمده و حتی فضای رمان را به جنوب ایران هم می‌برد. تقوایی در این فیلم موفق می‌شود آیین‌ها و سنن مردم جنوب را لایه‌لای لحظات و دیالوگ‌های فیلم بگنجاند و حتی نگاهی کوتاه هم به تاریخ معاصر ایران و مواردی چون قتل جسنعلی منصور می‌اندازد.

مهمان مامان

بیشترین اقتباس‌های سینمای ایران از آثار هوشنگ مرادی کرمانی صورت گرفته است و داریوش مهرجویی در سال ۱۳۸۲ هم از داستان «مهمان مامان» اثر مرادی کرمانی، فیلمی به همین نام اقتباس کرد. فیلم عین به عین مانند داستان پیش می‌رود و با تمیزکردن اتاق و زنگ در خانه آغاز می‌شود. تقریباً همه چیز مانند آن چیزی است که در کتاب رخ می‌دهد، اما کارگردان برای جذابیت بصری نقش برخی شخصیت‌ها را پررنگ‌تر کرده و به آنها پر و بال بیشتری داده. همه این تمهیدات مرکز داستان را از مادر به مهمانی یا به عبارتی دیگر به سفره رنگارنگ تغییر داده است.

پری

«پری» ساخته داریوش مهرجویی بر اساس رمان «فرانی و زویی» اثر جی. دی. سلینجر نویسنده آمریکایی است. اقتباسی که از «فرانی و زویی» در فیلم «پری» انجام شده اقتباس وفادارانه‌ای بوده و داستان این فیلم همان داستان منبع اصلی است. در واقع شخصیت‌های فیلم همان شخصیت‌های کتاب هستند. دیالوگ‌ها و صحنه‌ها در جاهایی کاملاً یکی است و تغییری در آن ایجاد نشده. مهرجویی در «پری» حالات درونی کاراکترها را به تصویر کشیده و با زبانی نافذ و گویا، ذهنیت پیچیده شخصیت‌ها و تفاوت در نگرش‌هایشان را نشان مخاطب می‌دهد و به هیچ وجه در مقام قضاوت درباره شخصیت‌ها برنمی‌آید.

شب‌های روشن

«شب‌های روشن» به کارگردانی فرزاد موتمن، اقتباسی از «شب‌های سپید» داستایوسکی است. سعید عقیقی نویسنده این فیلم تغییرات زیادی در فضاسازی فیلم ایجاد نکرده که البته نقطه‌ضعفی هم برای فیلم محسوب نمی‌شود. اقتباس سعید عقیقی از کتاب «شب‌های سپید» داستایوسکی در میان آثار اقتباسی شاید تنها فیلمی باشد که با وجود اشعار فارسی زیادی که در آن خوانده شده، حال و هوای ایرانی به خود نمی‌گیرد.

خبر

دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت می‌گوید، این دوره از جشنواره به دنبال جریان‌سازی و هم‌افزایی است، نه تقابل گروه‌گرایانه.

سیدوحید فخر موسوی، دبیر جشنواره با بیان این‌که در این دوره از جشنواره تمام تلاش خود را کردیم تا رویکردی مردم محور به شکلی کاملاً کاربردی داشته باشیم، تصریح کرد: به همین دلیل اولین مسأله‌ای که برای آغازاین جریان

جریان‌سازی به‌جای گروه‌گرایی

جام جم دلایل عدم استقبال از اقتباس ادبی را بررسی می‌کند

ادبیات؛ گنج گمشده سینمای ایران

قطعا بارها و بارها برای شما پیش آمده که کتابی بخوانید و در ذهن‌تان تمام شخصیت‌ها، خیابان‌ها، حرف‌ها و... را تصویر کنید یا حتی با گفته باشید کاش کسی از روی این کتاب، فیلم یا سریال می‌ساخت. به اثر تصویری که از روی یک داستان ساخته می‌شود اصطلاحاً

می‌گویند یک اثر اقتباسی که سهم عمده‌ای در سینمای جهان و حتی گیشه هالیوود دارد. مجموعه‌هایی چون «شرلوک»، «بازی تاج و تخت»، «جیمز باند» و... آثاری هستند که نشان می‌دهند سینمای غرب چگونه و با چه شگردهایی از جهان تصویر استفاده می‌کند تا ادبیاتش را هم به دنیا صادر کند. این در حالی است که ما با داشتن گنجینه‌ای بزرگ و پایان‌ناپذیر از ادبیات کلاسیک‌مان که بر تارک ادبیات جهان می‌درخشد، و نیز با وجود ده‌ها داستان و رمان خوب و قابل اقتباس معاصر، به این گنج پرارزش کم‌اعتنايیم. اما فیلمنامه‌های اقتباسی چه نوع داستان‌هایی هستند که در جشنواره‌های بین‌المللی آنها را به صورت مجزا بررسی می‌کنند؟ اقتباس سینمایی از آثار ادبی چگونه باید باشد؟ چرا دست سینمای ایرانی از اقتباس‌های ادبی خالی است؟ و... اینها انبوهی از پرسش‌هاست که بارها از سوی علاقه‌مندان به سینما مطرح شده و کماکان جوابی به آنها داده نشده است.

پرونده امروز جام‌جم، به طور مفصل و دقیق تاثیر ادبیات بر سینما و آسیب‌شناسی فیلمنامه‌نویسی در ایران را مورد واکاوی قرار داده‌ایم. شادمرهر رستین، در جشنواره بیست و ششم فجر همراه با رضا میرکریمی برای فیلم «به همین سادگی» برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه به همراه رضا میرکریمی شد. او نه‌تنها فیلمنامه‌نویس موفقی است، بلکه بارها این حرفه را در مراکز مختلف هنری آموزش داده. از این رو مناسب دیدیم با رستین درباره آثار اقتباسی و تأثیری که اقتباس در فیلمنامه‌نویسی برای فیلم و سریال دارد، گفت‌وگو کنیم.

فیلم‌های ایرانی

از پول تأثیر می‌گیرند، نه ادبیات

با توجه به این‌که مبنای سینما، فیلمنامه و متن است و فیلمنامه نیز از ادبیات تأثیر مستقیم و البته غیرمستقیم می‌گیرد، درباره ارتباط میان سینما و ادبیات و تاثیرگذاری متقابل این دواز یکدیگر توضیح بدهید؟

سؤال شما در تئوری درست است. اما در عمل، اتفاقی که در چندسال اخیر در ایران افتاده به سینما و محصولات تلویزیونی جنبه‌ای رسانه‌ای بخشیده. یعنی آثار تولید شده بیشتر از این‌که متأثر از ادبیات و فیلمنامه باشند، از بودجه و روش اجرایی نشأت می‌گیرند. به عبارت دیگر، اولین چیزی که سازنده اثر به آن فکر می‌کند این است که با بودجه‌ای که در اختیار دارد چه اثری می‌تواند تولید کند. به همین خاطر، آنچه در جامعه ما مصطلح است تولید اثر است، نه خلاقیت اثر. در دوره‌ای که سینما و تلویزیون تصمیم به ساخت آثار خلاقانه داشت ادبیات نقشی یاری‌دهنده ایفا می‌کرد، اما الان تمام تلاش صرافروی تولیدانبوه است. یعنی اگر کاری دارای شاخصه‌های هنری باشد اینطور به نظر می‌رسد که بودجه حرام شده! بنابراین مسلم است آثار انبوهی که در زمان اندک تولید شود، فاقد هرگونه جنبه هنری و ادبیات است.

آنچه به نظر می‌رسد رمان‌نویسان ما جسارت بیشتری در نوشتن و نقد مسائل اجتماعی دارند. از نظر شما، اقتباس از آثار انتقادی چقدر می‌تواند در شکل تصویری خودش را حفظ و مخاطب را با خود همراه کند و اصلاً اقتباس از آثار کلاسیک به درد جامعه امروز می‌خورد؟

در روزگار مثلا سعدی، حاکم وقت توقع شکلی از پند و اندرز و نصیحت از بزرگان و هنرمندان زمانه‌اش داشت. امروز اما شرایط به گونه‌ای شده که وزرا و صاحب‌منصبان

نیاز داشتیم، عنصر مدت زمان برگزاری جشنواره بود که این عنصر زمان پیوندی کاملاً مشخص و مرتبط با مکان‌های انتخاب شده برای اجرا دارد، به این صورت که جشنواره هجدهم با پیاده‌روی عظیم اربعین از نجف اشرف، مسیر پیاده‌روی و کربلای معلی با اجرای شاخص آثار تعزیه، نقالی، پرده خوانی و خیابانی به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی آغاز می‌شود و در ادامه مسیر خود پس از برگزاری یک

گزارش



ویژه برنامه در ایام هفته دفاع مقدس در دهه پایانی مهر که مزین به ایام پر خیر و برکت ربیع‌الاول است، بخش رادیو تئاتر در یکی از استان‌ها برگزار می‌شود و پس از آن در ایام دهه اول آبان آثار خیابانی در یکی دیگر از استان‌ها اجرا می‌شود و پس از آن هم بخش‌های نمایشنامه‌نویسی، تله تئاتر و صحنه‌ای به صورت همزمان در آغازین روزهای هفته بسجح مستضعفین میزبان دیدگان مخاطبان است. / مهر

و به همین دلیل نمادها و نشانه‌ها در سینما از اهمیت بالایی برخوردار است. بنابراین آثار کهن ایرانی باید با ظرافت و تخصص تبدیل به آثار تصویری سینمایی شوند و این یک تخصص در حوزه فیلمنامه‌نویسی است که البته امروز با حذف فیلمنامه نویسی در بعضی سازمان‌های ذی‌ربط دیگر نمی‌توانیم شاهد چنین اقتباس‌هایی باشیم. امروز ما بیشتر پاورقی‌ها را می‌بینیم که تبدیل به یک اثر تصویری می‌شود.

در این میان به نظر می‌رسد به یک همفکری میان نویسنده و کارگردان نیاز است. آیا اساساً هر نویسنده خوبی می‌تواند فیلمنامه‌نویس خوبی هم باشد یا بهتر است نویسندگان به دانش کارگردان و فیلمنامه‌نویس اعتماد کنند و در نهایت نتیجه کار را ببینند؟

نکته ای که شما می‌گویید درست است، اما هر کارگردان و نویسنده هم نمی‌تواند به داستان و قصه اصل فکر کند. بین نویسنده، فیلمنامه‌نویس، کارگردان، تهیه‌کننده و مدیر باید همفکری برای خلاقیت در اثر به‌وجود بیاید. امروز اما، شاهدیم بودجه حاکم بر تفکر خلق است... احترام به تخصص‌ها(فیلمنامه‌نویسی، چهره‌پردازی، فیلمبرداری، صداپرداری و...) و تعداد زیاد متخصص‌ها در خلق یک اثر به همه‌جانبه بودن آن کمک زیادی می‌کند.

البته این روزها موج جدیدی در استفاده از رمان‌های ایرانی برای اقتباس در شبکه نمایش خانگی ایجاد شده است. آثاری مثل «زخم‌کاری»، «یاغی» یا حتی سریالی که امروز ترنس آپیار بر اساس رمان معروف «سووشون» می‌سازد، همگی نشان از تأثیر اقتباس موفقی در صنعت سریال‌سازی است. از نظر شما این موضوع چقدر به رونق عرصه فرهنگ و هنر و بازار کتاب کمک می‌کند؟

البته بستگی به چگونگی اقتباس هم دارد. اقتباس‌های ادبی انواع مختلفی دارد و فیلمنامه‌نویسان و کارگردانان سینما هر کدام با توجه به رویکرد خود، یکی از این شیوه‌ها را برای استفاده از اثر ادبی انتخاب می‌کنند. در سینمای ایران نیز اقتباس ادبی به وسیله فیلمسازان مختلف انجام شده، اما درصده بهره‌گیری و موفقیت آن بسیار کم است. سریال زخم کاری، ساخته محمدحسین مهدویان، اقتباس خوبی بود که هم به تیراژ کتاب کمک و هم راه را برای اقتباس در سریال‌سازی باز کرد و درست نقطه مقابل آن سریال «یاغی» که اقتباس بسیار ضعیفی نسبت به کتاب «سالتو» اثر مهدی فروزشمن است؛ بنابراین صرفاً اقتباس نمی‌تواند به ساخت سریالی درخشان کمک کند و این‌که فکر کنیم اقتباس، نجات‌دهنده یک اثر است. مسائل زیادی در این مورد وجود دارد که منجر به موفقیت یک اثر می‌شود و باید موردی در این باره صحبت کرد، اما این‌که می‌بینیم به ادبیات معاصر در سریال‌سازی بها داده شود اتفاق خوشایندی است. چرا که با اقتباس ادبی، سینما و ادبیات می‌توانند یکدیگر را از بن‌بست خارج کنند.

صحنه

تغییر ریل‌گذاری تئاتر کشور

محمد مهدی اسماعیلی با تأکید بر این‌که تحول اساسی در حوزه تئاتر مستلزم توجه ویژه به تقویت بخش تولید محتواست، گفت: با حمایت از استعداد‌های جوان و استفاده از ظرفیت عظیم آنان برای تقویت بخش تولید محتوا، تغییر ریل‌گذاری تئاتر کشور تسهیل می‌شود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نخستین جلسه شورای سیاست‌گذاری چهل و یکمین دوره جشنواره تئاتر فجر به اهتمام جدی وزارت فرهنگ در دولت مردمی مبنی بر اعتلای حوزه تئاتر اشاره کرد و افزود: بنای وزارت فرهنگ، ایجاد تحولی جدی در حوزه تئاتر کشور است که در راستای دستیابی به این تحول باید علاوه بر توجه جدی به مقوله زیرساخت‌ها، اقدامات و فعالیت‌های مناسبی نیز تدارک دیده شود. وی با اشاره به بازنده‌های اخیر خود از مجموعه تئاتر شهر و تالار سنگلج در راستای اهمیت به مقوله زیرساخت‌های حوزه تئاتر گفت: بازسازی و نگهداری مجموعه‌های با سابقه و احداث تالارهای فرهنگی و هنری پیشرفته در شهرهای مختلف کشور از رویکردهای اصلی وزارت فرهنگ به شمار می‌رود. / وزارت ارشاد

سینمای جهان

انتقاد استالونه

از ساخت دنباله «راکی»

سیلوستر استالونه که با تهیه‌کنندگان سری فیلم‌های «راکی» به دلیل حق مالکیت به مشکل خورده از ساخت دنباله مستقل و جدید این فیلم با عنوان «دراگو» انتقاد کرد. در فیلم «راکی۴» شخصیت آپولو کرید با بازی کارل ورتز در رینگ توسط ایوان دراگو (با بازی دولف لوندگرن) بوکسور المپیک شوروی کشته شد. خانواده دراگو‌ها در فیلم «راکی۲» در سال ۲۰۱۸ زمانی که آدونیس کرید (مایکل بی. جردن) به مصاف ایوان، پسر ویکتور دراگو (فلوریان مونته‌انو) رفت، بار دیگر ظاهر شدند. استالونه در صفحه اینستاگرام خود در فضای مجازی خطاب به ابروین وینکلر، تهیه‌کننده سری فیلم‌های راکی و دنباله‌های آن نوشت: «تازه متوجه این موضوع شدم. ابروین وینکلر و خانواده سیری ناپذیر و فوق‌العاده بی‌استعدادش در حال استثمار و به زمین زدن یکی دیگر از شخصیت‌های شگفت انگیز هستند. جدا این راسوها چگونه با غرور در آینه نگاه می‌کنند.» استالونه در سال ۱۹۶۷ با نگارش فیلمنامه راکی، ساخت این سری فیلم موفق را آغاز کرد و این فیلم نامزد ۱۰ جایزه اسکار شد. / ایسنا

